

## نگاهی به آثار دنیوی و اخروی گناهان از منظر قرآن و روایات

تأیید: ۱۳۹۴/۰۹/۱۵

دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۰۵

محمد رضایی مجیدپور\*

### چکیده

بنا بر قانون علت و معلول، هر عملی، عکس‌العملی و هر کنشی، واکنش خاصی را به دنبال دارد که اعمال درست، آثار مثبت و اعمال نادرست نیز بالتبع آثار منفی از خود بر جای خواهد گذاشت. همان‌گونه که اعمال درست، پیامدهای مثبتی در روح و روان انسان از خود باقی خواهد گذاشت، اعمال نادرست، یا از منظر دینی گناهان، نیز روح و روان انسان را مکدر ساخته و افزون بر این که زندگی دنیوی ما را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، بر زندگی اخروی ما نیز اثرگذار خواهد بود. این نوشتار با رهیافتی نقلی و با تکیه بر آیات و احادیث، در پی بررسی آثار سوء گناه بر زندگی انسان در هر دو جهان است.

### واژگان کلیدی

گناه، آثار دنیوی گناه، آثار اخروی گناه.

## مقدمه

با توجه به این که هر عملی، عکس‌العمل متناسب با خود را به دنبال دارد و هر رفتاری، آثاری را در پی دارد، رفتار خوب و بد آدمی نیز آثار متفاوتی بر خود شخص و نیز بر محیط و سایر افراد بر جای می‌گذارد. از مسلمات دین و علم و تجربه است که کردار انسان، خواه نیک، خواه بد، دارای پی‌آمد و نتیجه، در دنیا و آخرت است و همچون بذری است که در جهان کاشته می‌شود؛ اگر بذر گل بوده، نتیجه‌اش گل است و اگر خار بود، نتیجه‌اش خار است. این نوشتار در صدد بررسی آثار رفتارهای منفی انسان بر خود شخص است که در فرهنگ دینی از آن به «گناه» تعبیر می‌شود. در همین راستا در این مقاله ابتدا به اثبات اصل تأثیرگذاری گناهان بر زندگی خود شخص، بر اساس آیات و روایات پرداخته شده است. سپس به بررسی جداگانه آثار دنیوی و اخروی گناه در زندگی انسان اشاره شده است. لازم به ذکر است گستره تحقیق در این مقاله، آیات قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد و در اثبات و دلایل هر بخش، تکیه بر آیات و روایات شده است و به یافته‌های علمی بشری همچون حوزه‌های روان‌شناسی و پزشکی اشاره نمی‌شود.

## مفهوم شناسی گناه

### معنای لغوی

«گناه» در زبان فارسی به معنای جرم، خطا، نافرمانی و مانند آن به کار رفته و در زبان عربی از آن به ذنب، اثم و معصیت تعبیر شده است.

### معنای اصطلاحی

معنایی که از مجموع آن‌ها برمی‌آید و جامع همه معانی است، همان نافرمانی و انجام عملی بر خلاف قانون یا سرپیچی از قانون است. البته بنا بر نقل عده‌ای، گناه هر کاری را شامل می‌شود که انجام آن ناروا باشد. گناه در نزد اهل شرع نیز عبارت است از این که مکلف، امری نامشروع مرتکب گردد (لغت‌نامه دهخدا، ماده ذنب).

### مفهوم اثر

در حدیثی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که ایشان در مورد دو نفر مسلمان که در نزاع‌های شخصی، شمشیر به روی یکدیگر بکشند و یکی کشته شود، فرمودند: هر دو در دوزخ‌اند یکی از حاضران عرض کرد: یا رسول الله! قاتل معلوم است که به دوزخ می‌رود، اما مقتول چرا؟ حضرت فرمودند: بدان سبب که او نیز آهنگ کشتن رفیقش را کرده بود و اراده داشت او را بکشد (نراقی، ۱۳۷۹: ج ۳ / ۱۶۳).

امام صادق علیه‌السلام نیز در حدیثی فرموده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنْوِي الذَّنْبَ فَيُخْرِمُ رِزْقَهُ»؛ همانا مؤمن،

نیت گناه می کند، [در نتیجه] از روزی اش محروم می شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۳/۲۵۸). در همین مورد، حدیثی آمده است که حضرت مسیح علیه السلام به پیروان خود فرمود: موسی بن عمران به شما دستور داد زنا نکنید و من به شما امر می کنم که فکر زنا را نیز در خاطر نیاورید، چه رسد به این که عمل زنا را انجام دهید. هر کس فکر زنا کند، مانند کسی است که در عمارت زیبا و رنگ آمیزی شده ای آتش روشن کند، که در این صورت دود آتش، رنگ خانه را تباه کند اگر چه خانه هم نسوزد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۳۲۱/۱۴).

در خبر است که مردی از مسلمانان در یکی از جنگ ها به دست کافرین به قتل رسید و در میان مسلمانان به «قتیل الحمار» (کشته راه خر) معروف شد. سببش این بود که او با این نیت به جنگ یکی از کفار رفت که او را بکشد و الاغش را تصاحب کند، و چون به دست همان کافر کشته شد، به این نام معروف گشت (نراقی، ۱۳۷۹ش: ج ۱۱۳/۳).

در نتیجه از مطالب بالا فهمیده می شود که خود اندیشه گناه هم دارای اثر است که موجب شقاوت فرد می گردد، و باید در تمام مراحل زندگی سعی شود از اندیشه گناه هم دوری جست و به خداوند تبارک و تعالی پناه برد.

### اثبات اصل تأثیر گناه در زندگی شخص

یکی از حقایق غیر قابل انکار این جهان که در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است، وجود ارتباط میان مردم و حوادث و اتفاقات خارجی است. این مطلب از نظر مکتب ها مسلم شده است که اعمال ما به عنوان علیت، موجب حوادث خارجی است و پیش آمدها و اتفاقات خارجی اعم از خوشی ها، و یا ناخوشی ها معلول اعمال نیک و بد ماست؛ مثلاً همان طور که آتش چنین خاصیتی دارد که به چوب خشک می رسد، آن را می سوزاند، گناهان ما نیز چنین اثری دارند که ریشه عمر را می سوزانند، چه ما درک کنیم و چه نکنیم.

### الف) تأثیر گناه از منظر قرآن

آن چه که فلاسفه و دانشمندان پس از چند سال تحقیق و بحث به دست آورده اند، قرآن کریم و روایات ائمه دین علیهم السلام، آن را به عنوان یک قانون کلی و سنت الهی در یک آیه یا یک حدیث کوتاه برای ما بیان داشته اند، با این تفاوت که فلاسفه، راه های پرپیچ و خمی را طی کرده اند و پس از سال ها رنج و صدها رد و ایراد، آن را به دست آورده اند، ولی اسلام همان را به صورت یک اصل مسلم بیان فرموده است. در این راستا به چند آیه در این مورد اشاره می کنیم:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ

مِنْ وَالٍ» (رعد: ۱۱)؛

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (انفال:

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (شوری: ۳۰)؛  
 «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)؛  
 «أَوْ لَمْ يَسْزُرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ آثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ» (غافر: ۲۱)؛  
 «وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَ مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ» (يونس: ۱۳)؛  
 «كَذَّابٍ آلٍ فِرْعَوْنُ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أَعْرَفْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَ كُلَّ كَانُوا ظَالِمِينَ» (انفال: ۵۴).

### ب) تأثیر گناه از منظر احادیث

قال الصادق علیه السلام: إِذَا أَذْنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ فَإِنْ تَابَ ائْتَحَتْ وَ إِنْ زَادَ زَادَتْ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَى قَلْبِهِ فَلَا يَفْلِحُ بَعْدَهَا أَبَدًا؛  
 قال الصادق علیه السلام: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَسَلَمَهَا إِيَّاهُ حَتَّى يَذْنِبَ ذَنْبًا يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ السَّلْبَ؛  
 قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مَا جَفَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ؛  
 قال الصادق علیه السلام: مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مَنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ.

### آثار دنیوی گناه

گناه همان گونه که آثار اخروی دارد و خشم و غضب الهی را به شکل آتش دوزخ به دنبال دارد، آثاری در زندگی دنیوی آدمی در ابعاد مادی و معنوی نیز به جا می‌گذارد. در این راستا می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

### ۱. محروم شدن از محبت الهی

یکی از مهم‌ترین نعمت‌هایی که خداوند به انسان‌ها ارزانی داشته است، محبت ذات اقدس الهی است که انسان باید شکرگذار این نعمت باشد و سعی کند تا خود را بیشتر در جایگاهی قرار دهد که مورد محبت الهی واقع شود.

افرادی که مورد این محبت واقع نمی‌شوند، چند دسته هستند که به بیان آن‌ها خواهیم پرداخت. ابتدا چند گروهی را که شامل لطف و محبت خدا هستند بیان می‌کنیم:

(الف) پرهیزگاران؛ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۷۶)؛

(ب) نیکوکاران؛ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۴)؛

(ج) مجاهدان؛ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ» (صف: ۴)؛

د) توبه‌کنندگان؛ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ» (بقره: ۲۲۲)؛

ه) توکل‌کنندگان؛ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛

و) کسانی که عدالت را محور قرار می‌دهند؛ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده: ۴۲).

و گروه‌های دیگر که از بیان آن‌ها می‌پرهیزیم.

اما بحث ما درباره گروهی است که به خاطر گناهان از نعمت محبت الهی، محروم شده‌اند که عبارتند از:

الف) ستمگران؛ به کسانی که به دیگران ظلم و ستمی را روا دارند «ستمگر» گویند که مصادیق گوناگونی دارد؛ مانند ظلم حاکم به رعیت، ظلم مافوق به زیر دست و ... ستمگر، آثار و پیامدهای متفاوتی دارد که یکی از آن‌ها دور شدن و محرومیت از محبت الهی است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اللَّهُ لَیُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران: ۵۷)؛ خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد. از دیگر پیامدهای ظلم و ستم، این است که شخص ظالم در بین مردم و جامعه، بی‌آبرو و بی‌اعتبار می‌شود. امام صادق علیه السلام در همین باره می‌فرماید: هر که ستم کند، خداوند عالم کسی را بر او مسلط می‌سازد که بر او یا بر اولاد او یا بر اولاد اولاد او ظلم کند.

ب) فاسدان؛ این گروه کسانی هستند که در دنیا فساد کرده و به تباهی می‌پردازند. خداوند متعال در قرآن کریم این گروه را نیز دوست نمی‌دارد؛ چنان که می‌فرماید: «اللَّهُ لَیُحِبُّ الْفَاسِقِينَ» (مائده: ۶۴)؛ خداوند فسادکنندگان را دوست نمی‌دارد. حال فرق نمی‌کند فساد از نوع سیاسی یا اقتصادی باشد یا نژاد آن‌ها.

ج) مسرفان؛ اسراف یکی از گناهی است که شهید آیت‌الله دستغیب در کتاب گناهان کبیره از این گناه به عنوان گناه کبیره یاد می‌کند (دستغیب، ۱۳۹۰ش: ج ۲ / ۹۵). این گروه یعنی کسانی که اسراف می‌کنند نیز از محبت الهی دور هستند و از اهل دوزخ به شمار می‌آیند. در این زمینه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (غافر: ۴۳)؛ و البته اسراف‌کنندگان اهل دوزخ هستند.

د) خائنان؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَیُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال: ۵۸)؛ خداوند خائنین را دوست نمی‌دارد.

دسته چهارمی که از محبت الهی محروم می‌شوند، کسانی هستند که خیانت را سرلوحه اعمال خود قرار داده‌اند.

ه) کفران‌کنندگان نعمت؛ این گروه نیز جزء گروه‌هایی هستند که از نظر محبت الهی دور می‌باشند؛ چنان که خداوند فرموده است: «اللَّهُ لَیُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِمٍ» (بقره: ۲۷۶)؛ خداوند هیچ انسان ناپسای گناه‌کار را دوست نمی‌دارد.

## ۲. بلاها و بیماری‌های نو ظهور

دومین اثری که از گناه می‌توان نام برد، این است که بلاها و بیماری‌های نو ظهور پدیدار می‌شوند. درست است که خداوند، رحمان و کریم و فاضل و... است، ولی باید توجه داشت که خداوند دارای صفات قهریه مانند خشم، غضب، قهر و... نیز هست.

پس ممکن است که خداوند به‌خاطر گناهایی که انسان‌ها انجام می‌دهند، بلاها و بیماری‌هایی را برای آن‌ها نازل کند؛ چنان که امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «كَلَّمَا أَحْدَثَ الْعِبَادُ مِنَ الذَّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحْدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ»؛ هرگاه مردم گناه جدیدی انجام دهند، خداوند بلاهایی را که قبلاً نمی‌شناختند، برایشان قرار می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲ / ص ۲۷۵).

همین‌طور در دعای افتتاح می‌خوانیم که وَأَيَّقِنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقْمَةِ؛ من یقین دارم که ارحم‌الرحمین هستی در موردی که جای عفو و رحمت است و سخت‌ترین کیفردهندگان در جایگاه بلا و عذاب (قمی، ۱۳۸۷: ج ۱۱ / ۱). ما خودمان در دعا می‌گوییم یقین دارم که سخت‌ترین کیفردهندگان و به این موضوع اقرار می‌نماییم. پس این موضوع که خداوند به خاطر انجام دادن گناه در انسان‌ها، بلاها و بیماری‌های نو ظهور بفرستد، یقینی است؛ چنان که در حدیث و دعا ذکر شد.

می‌توانیم در این موضوع به داستان‌هایی از قبیل داستان قوم سبأ که در بلا گرفتار شدند یا به داستان فرعون و یا داستان قارون اشاره کنیم که آن‌ها به خاطر گناه و کیفر، مورد بلاهای الهی واقع شدند و به هلاکت رسیدند.

قرآن کریم به داستان‌های اقوامی که مورد بلا واقع شدند، اشاره کرده و نوع بلای آن‌ها را ذکر کرده است؛ مانند

(الف) باران‌های پی‌درپی (انعام: ۶)؛

(ب) طوفان همراه با سنگ ریزه (عنکبوت: ۴۰)؛

(ج) بادهای دردناک (احقاف: ۲۴).

مثال‌های دیگری نیز وجود دارد که به‌جهت اختصار از ذکر آن پرهیز می‌شود.

## ۳. سلب نعمت و کم شدن روزی

یکی از آثار و تبعات سوء گناه این است که انسان نعمت خود را ازدست می‌دهد. خداوند رحیم است و رحمانیت خداوند یعنی مهر و رحمت خداوند همه‌گستر است که شامل تمام انسان‌ها می‌شود این بدان معنا نیست که خداوند به تمام انسان‌ها به یک اندازه نعمت دهد بلکه خداوند مهر و رحمت گسترده خود را با توجه به شایستگی‌ها و لیاقت‌های آدمیان به آن‌ها ارزانی

می‌دارد.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷)؛ و به یاد بیاورید آن زمانی را که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کنید، حتماً افزونتان دهم و اگر کفران کنید، عذاب من بسیار سخت است. پس می‌توان نتیجه گرفت که از دست دادن نعمت، نتیجه اعمال و رفتار خود انسان هاست، و گرنه خداوند، مهربان‌تر از آن است که نعمتی را به گروهی بدهد و از گروهی پس بگیرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَسَلَبَهَا إِيَّاهُ حَتَّى يَذْنِبَ ذَنْبًا يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ السَّلْبَ»؛ خداوند نعمتی را که به بنده‌اش داده، از او نمی‌گیرد مگر زمانی که بنده گناهی انجام دهد که به خاطر آن، سزاوار سلب نعمت باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲ / ص ۲۷۴).

یکی از نعمت‌های الهی، بارش باران است که میزان بارش باران نیز با گناه و یا عدم گناه انسان، مرتبط است؛ چنان‌که ابوحمزه ثمالی می‌گوید: شنیدم که امام باقر علیه السلام می‌فرمودند: باران هر سال به یک اندازه می‌بارد و هیچ سالی کمتر از سال دیگر نیست. اما وقتی مردم معصیت کنند خداوند سهمیه باران آن سال آنان را برای دیگری قرار می‌دهد و یا به بیابان‌ها و دریاها می‌فرستد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۳ / ص ۲۳۹).

حال یک نکته باقی می‌ماند و آن این‌که گناه، باعث سلب نعمت می‌شود، در حالی که بسیاری از گناه‌کاران و ظالمان در نعمت غوطه‌ور هستند و هیچ سلب نعمتی برای آن‌ها نمی‌شود؟

پاسخ این نکته را به وسیله این آیه از قرآن کریم می‌دهیم که خداوند می‌فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُملِي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُملِي لَهُمْ لِيُذَادُوا إِنَّمَا و لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (آل عمران: ۱۷۸)؛ و البته آنان‌که به راه کفر رفتند، گمان نکنند که مهلتی که ما به آن‌ها می‌دهیم، به‌حال آن‌ها بهتر خواهد بود. بلکه برای امتحان مهلت می‌دهیم تا بر سرکشی و طغیان خود بیفزایند و آنان را عذابی رسد که به آن سخت، خوار و ذلیل شوند.

#### ۴. عدم استجابت دعا

در آیات و روایات به انسان‌ها، سفارش‌های بسیاری شده است که انسان دست به دعا بردارد و از خداوند متعال درخواست کند. خداوند نیز به خاطر لطف و رحمت خویش، دعاها و درخواست‌های بندگان را اجابت می‌نماید. خداوند خود ضمانت کرده است که دعا را مستجاب می‌کند و در تأیید این بیان، دو آیه را می‌توان یادآور شد: آیه شریفه «دَعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰)؛ بخوانید تا اجابت کنم شما را؛ و آیه «أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (بقره: ۱۸۶)؛ اجابت می‌کنم دعای دعاکنندگان را هنگامی که دعا کنند.

ولی بعضی اوقات انسان هر چه دعا می‌کند، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. یکی از دلایل عدم استجاب دعا، می‌تواند گناه و معصیت باشد که این امر، مانع از استجاب ادعیه و درخواست‌های بندگان از درگاه خداوند متعال می‌شود. البته دلایل دیگری هم وجود دارد، ولی ما در این جا فقط به دنبال بررسی آثار گناهان هستیم و از ذکر دلایل دیگر می‌پرهیزیم که خود نیاز به بحث مفصلی دارد.

### گناهایی که در روایات، از موانع استجاب دعا شمرده شده‌اند

#### الف) لقمه حرام

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَلَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا؛ کسی که لقمه حرامی بخورد تا چهل شب، نمازش قبول نخواهد شد و تا چهل روز، دعایش مستجاب نمی‌شود (نهج البلاغه، ۱۳۷۸ ش: ج ۱ ص ۴۲۲).

#### ب) ظلم به بندگان

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْتَجَابَ لَهُ فَلْيُطِيبْ كَسْبَهُ وَيُخْرِجْ مِنْ مَظَالِمِ النَّاسِ وَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْفَعُ إِلَيْهِ دَعَاءَ عَبْدٍ وَفِي بَطْنِهِ حَرَامٌ أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ؛ هر گاه یکی از شما بخواد دعایش مستجاب شود، باید کسب و کار و راه درآمد و روزی خود را پاکیزه کند و خود را از زیر بار مظلومهایی که از مردم بر عهده دارد، خلاص کند؛ زیرا دعای بنده‌ای که در شکمش مال حرام باشد، به سوی خدا بالا نمی‌رود (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۹۰ ص ۳۲۱). چنان که در حدیث ذکر شده که ظلم به بندگان، مانع استجاب دعا می‌شود.

#### ج) ترک امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، آن قدر در دین ما مورد سفارش واقع شده است که جزء فروع دین قرار گرفته و انجام دادن آن واجب شده است. پس ترک امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند مستلزم عواقبی هم باشد که طبق روایات، یکی از عواقب آن، عدم استجاب دعاست. امام علی علیه السلام در سفارش‌های خود به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌فرماید: وَلَا تَشْرِكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيَوَلَّى اللَّهُ أَمْرَكُمْ شِرَارَكُمْ، ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ عَلَيهِمْ؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید وگرنه اشرار بر شما مسلط خواهند شد. آن گاه دعا می‌کنید و دعای شما به استجاب نخواهد رسید (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱۳ ص ۴۵۵).

#### د) گناه و معصیت

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: گاهی بنده‌ای از بندگان خدا، از خداوند حاجتی طلب می‌کند که باید در زمان کوتاه یا در دراز مدت مستجاب شود، اما گناهی از او سر می‌زند. پس خداوند به فرشته (مأمور حاجت وی) می‌فرماید: فعلاً دست نگهدار و تا مدتی او را از حاجتش محروم ساز؛



زیرا او موجبات خشم مرا فراهم ساخته و در نتیجه مستحق محرومیت از ناحیه من گردیده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۳ / ص ۳۲۹).

چنانچه بیان شد، عدم استجاب دعا عوامل گوناگونی دارد و امام علی علیه السلام در دعای کمیل چنین می‌فرماید: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ**؛ پروردگارا مرا ببخش به خاطر گناهایی که موجب حبس دعا می‌شود (نمی‌گذارد دعای من به استجابت برسد) (قمی، ۱۳۸۷: ج ۱۱ / ج ۱).

## ۵. کوتاهی عمر و مرگ زودهنگام

قاعده اصلی باید بر این باشد که انسان در موقع مقرر شده، اجلس برایش پیش بیاید و از دنیا برود. ولی گاهی به علل مختلف، این قاعده نقض می‌شود و انسان زودتر از آن که اجلس فرارسد، از دنیا می‌رود؛ مانند یک شمع که وقتی روشن می‌شود، مثلاً نسبت به اندازه آن قرار است دو ساعت بسوزد و روشن بماند، گاهی به خاطر وزش باد یا علل دیگر زودتر خاموش می‌شود، مثلاً بعد از یک ساعت. انسان نیز مانند شمع است؛ گاهی مقرر شده که انسان ۹۰ سال عمر کند که این در صورتی است که بدن انسان سالم بماند و در طول این ۹۰ سال به مشکلی مثل زلزله، تصادف و ... برخورد نکند. اگر به این موارد برخورد کند عمرش کم می‌شود و اجلس فرا می‌رسد.

قرآن کریم نیز این دو نوع اجل را چنین بیان می‌کند: **«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ مُنْتَوُونَ»** (انعام: ۲)؛ او کسی است که شمارا از گل آفرید، آن گاه اجلی مقرر فرمود و اجل معین پیش اوست، و باز هم شما شک می‌کنید.

مفسران، «اجل مسمی» را مرگ طبیعی و «اجل» را مرگ زودرس تفسیر کرده‌اند. امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمودند: **هما أجلان: أجل محتوم وأجل موقوف**. این آیه اشاره به دو نوع اجل دارد: اجل حتمی و اجل مشروط و غیر حتمی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۵ / ص ۱۵۰).

گناه کردن نیز یکی از عواملی است که باعث کوتاه شدن عمر و مرگ زودهنگام می‌شود. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: **مَنْ جَارَ قَصْرَ عُمُرِهِ؛ هِرْكَسَ ظَلَمٍ كُنْدَ، عَمْرَشِ شَكْسْتِهِ وَ كَوْتَاهِ مِی شُود** (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۲ / ص ۱۰۳).

## ۶. سلب توفیق و محرومیت از عبادت خداوند

خداوند متعال هدف خود را از خلقت انسان‌ها، عبودیت و بندگی آن‌ها بیان می‌کند. و همچنین در قرآن کریم می‌فرماید: هدف و فلسفه بعثت تمامی پیامبران نیز بندگی خداوند متعال بوده است: **«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ ابْعُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»** (نحل: ۳۶)؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که «خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید. خداوند گروهی

را هدایت کرد و گروهی ضلالت و گمراهی، دامن‌شان را گرفت. پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود.

بله، چنان‌چه بیان شد، عبادت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. همچنان‌که در آیات و روایات، سبب تقرب به خداوند، میزان عبادت بیان شده است.

حال به این موضوع خواهیم پرداخت که عبادت با این مقام و ارزش بالایش گاهی از انسان سلب می‌شود که یکی از علل و دلایل آن، گناهی است که انسان مرتکب آن شده است. یکی از مهم‌ترین عبادات که درجه والایی در میان عبادات دارد، نماز شب خواندن است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **إِنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السِّكِّينِ فِي اللَّحْمِ**؛ به‌راستی که مردی مرتکب گناهی می‌شود، در نتیجه از نماز شب محروم می‌شود. اثر عمل سوء در انسان، از اثر کارد در گوشت، زیادتر و سریع‌تر است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲/ص ۲۷۲).

## ۷. قساوت قلب

کلمه «قلب» بر دو معنا اطلاق می‌شود: یکی بر همان قلب صنوبری شکل که در سمت چپ بدن قرار دارد و وظیفه رساندن خون به اعضای بدن را دارد و مانند یک تلمبه عمل می‌کند؛ دیگری همان اصطلاح عرفی آن است که به تعبیر دیگر به دل گفته می‌شود. در روایات و قرآن، تأکید زیادی بر پاک نگاه داشتن این قلب (دل) شده است. اگر پاک بماند، موجب سعادت و خوشبختی انسان می‌شود و اگر خدای نکرده آلوده شود، موجب شقاوت و بدبختی شخص می‌گردد و موجب سیه‌رویی انسان در دنیا و آخرت می‌شود.

پاک نگاه داشتن قلب، درجه ویژه‌ای دارد؛ طوری که بعضی از علمای بزرگ درباره قلب چنین می‌فرمایند: **هوالذی إذا عرفه الإنسان فقد عرف نفسه وإذا عرف نفسه فقد عرف ربه وهوالذی إذا جهله الإنسان فقد جهل نفسه وإذا جهل نفسه فقد جهل ربه ومن جهل بقلبه فهو بغيره أجهل وأكثر الخلق جاهلون بقلوبهم وأنفسهم؛** اگر انسان، قلب را شناخت، خود را شناخته و اگر خود را شناخت، خدای خود را شناخته است و اگر نسبت به قلب ناآگاه بود، خود را شناخته و اگر خود را شناخت، نسبت به خدای خویش ناآگاه است و کسی که جهل داشته باشد نسبت به قلبش، پس نسبت به غیرش جاهل‌ترین است و اکثر انسان‌ها نسبت به قلبشان و خودشان جاهل‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۸/ص ۳۵).

بعد از بیان مقام و ارزش قلب، حال مسئله این است که قساوت قلبی که موجب بدبختی و شقاوت و نشناختن خدا می‌شود، معلول برای گناه است؛ یعنی در اثر گناه، قلب قساوت پیدا می‌کند و در اثر قساوت، قلب انسان بدبخت می‌شود و خدای خود را نمی‌شناسد.

در روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند: مَا جَفَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ مَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ؛ اشک‌ها خشک نمی‌شود مگر به خاطر سنگ دلی؛ و سخت نمی‌شود مگر به خاطر زیادی گناه (ابن بابویه، ۱۳۶۶ش: ج ۱/ ص ۸۱).

## آثار اخروی گناه

### ۱. دور شدن از رحمت الهی و مورد لعن قرار گرفتن

یکی دیگر از اثرات گناه، دور شدن از رحمت الهی است که شخص گنهکار، مورد لعن و نفرین پیامبران و فرشتگان واقع می‌شود.

### معنای لعن

راغب اصفهانی در مفردات، معنای «لعن» را چنین می‌نویسد: «اللَعْنُ هُوَ الْإِبْعَادُ عَلَى سَبِيلِ السَّخَطِ وَ ذَلِكَ مِنْ اللَّهِ تَعَالَى فِي الْآخِرَةِ عَقُوبَةٌ وَ فِي الدُّنْيَا انْقِطَاعٌ مِنْ قَبُولِ رَحْمَتِهِ وَ تَوْفِيقِهِ؛ «لعن» به معنای طرد نمودن و دور کردن شخص است از خود، از روی خشم و غضب و این وقتی از طرف خداوند باشد، به معنای عقوبت در آخرت و بریده شدن از رحمت و توفیق الهی در دنیا می‌باشد (راغب اصفهانی ۱۳۷۴ش: ج ۲/ ۴۵۱). طبق این معنا کسی که مورد لعن الهی واقع می‌شود، از رحمت و توفیقات الهی دور می‌گردد.

حال به بررسی گناهانی که موجب لعن می‌گردند، خواهیم پرداخت:

### الف) کشتن مؤمن

خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء: ۹۳)؛ و هر کس، فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است، در حالی که جاودانه در آن می‌ماند و خداوند بر او غضب می‌کند و او را از رحمتش دور می‌سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

در آیه شریفه برای کسی که انسان مؤمنی را بکشد، چهار مجازات ذکر شده است:

۱. جاودانگی در آتش جهنم؛ ۲. خشم و غضب الهی؛ ۳. لعنت (دوری از رحمت خداوند)؛ ۴. مهیا ساختن عذاب عظیم برای او.

### ب) تهمت به زنان پاک‌دامن

خداوند حکیم به خاطر محترم بودن آبرو و حیثیت افراد، تهمت زدن به زنان پاک‌دامن را از نظر مرتبه، با گناهانی قرار می‌دهد که موجب لعن خویش قرار می‌گیرند. یکی از دلایل آن می‌تواند این باشد که آبروی ریخته شده را نمی‌توان برگرداند و گفته می‌شود آبروی مؤمن و احترامش از خانه خداوند بیشتر است. پس به همین دلایل، چنین عقوبتی برای کسی که به زنان پاک‌دامن تهمت بزند، قرار داده شده است.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُخْضَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۲۳)؛ کسانی که زنان پاکدامن و بی‌خبر (از هرگونه آلودگی) و مؤمن را متهم می‌سازند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی به دور هستند و عذاب بزرگی برای آن‌هاست.

### ج) قطع رحم

بر اساس آیه بیست و پنجم سوره مبارکه رعد، یکی دیگر از اموری که خداوند متعال دستور به برقراری آن داده است، صله رحم است. در نتیجه، طبق این آیه، هر کس قطع رحم کند، مورد لعن خداوند قرار گرفته و از رحمت الهی دور خواهد بود.

### د) پیمان‌شکنی و فساد در زمین

خداوند متعال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمَا اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (عد: ۲۵)؛ آن‌ها که عهد الهی را پس از محکم کردن می‌شکنند، و پیوندهایی را که خدا به برقراری آن دستور داده، قطع می‌کنند و در روی زمین فساد می‌نمایند، لعنت برای آن‌هاست و بدی (و مجازات) سرای آخرت. بر اساس این آیه شریفه، کسانی که پیمان‌شکنی و فساد کنند، جزء گروه‌هایی هستند که مورد لعن خداوند قرار گرفته و از رحمت الهی به دور خواهند بود.

### ۲. احباط و پوچ شدن اعمال نیک

یکی از پیامدهای گناهان، این است که موجب پوچی و بی‌خاصیت شدن کارهای نیک می‌شود؛ یعنی گناهکار اگر کار خیری انجام دهد، بی‌نتیجه و بی‌پاداش می‌گردد. در قرآن شانزده بار سخن از حبط عمل به میان آمده است که از مجموع آن‌ها چنین نتیجه می‌گیریم. گناهان بزرگ همچون: کفر، شرک، تکذیب آیات الهی و انکار معاد، ارتداد و مخالفت با پیامبران، موجب حبط است. در دنیا نیز اگر کسی سنگی را از وسط جاده‌ای کنار ببرد تا رهگذری از آن آسیب نبیند، این کار او را نیک می‌شمارند. ولی اگر همین شخص در چند قدمی آن سنگ، جاده‌ای را خراب کرده و مانع عبور و مرور شود، در این صورت، مرتکب گناه بزرگ شده و خراب کردن جاده (انجام کار نیک)، سنگ برداشتن از جاده را خنثی می‌نماید. بنابراین گناهان بزرگ، موجب بی‌اثر شدن اعمال نیک و پوچ شدن آن‌ها می‌شود؛ چنان‌که تکبیر و سرکشی ابلیس از فرمان خدا در مورد سجده کردن بر آدم علیه السلام، موجب پوچی شش هزار سال عبادت او گردید (نهج البلاغه: ج ۱۹۲). بر این اساس باید توجه داشت که آدم گناه کار نمی‌تواند به کارهای نیکش دل ببندد؛ زیرا چه بسا گناهان او، ثواب کارهای نیک او را از بین ببرند.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر کس در امر نماز، سستی کند و آن را سبک شمارد، خداوند او را به

پانزده بلا گرفتار می‌کند: کوتاهی عمر، کمی روزی، زدودن سیمای صالحان از چهره‌اش، عدم پاداش برای اعمالش، عدم استجاب دعا، عدم بهره‌مندی از دعای صالحان، مرگ ذلیلانه، مرگ در حال گرسنگی و تشنگی، مأموریت فرشته‌ای که او را در قبر از طرف خدا شکنجه دهد، قبر را بر او تنگ نماید، قبرش تاریک است، مأموریت فرشته‌ای برای کشاندن او بر زمین از ناحیه صورت در منظر مردم، حسابرسی شدید قیامت، سلب نظر و توجه خدا به او و ابتلا به عذاب سخت (سفینه البحار: ج ۲ / ۴۴).

آیات زیر، اشاره به ورود به جهنم، به‌عنوان یکی از آثار اخروی گناهان دارد:

«وَجَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَيْتٌ مِّنْ وُجُوهِهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نمل: ۹۰)؛

«إِلَّا بِلَاغٍ مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا» (جن: ۲۳)؛

«تَلْفَحُ وُجُوهُمْ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ» (مؤمنون: ۱۰۴)؛

«نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى» (معارج: ۱۶).

## نتیجه

پس از شناخت آثار سوء گناهان، جا دارد که انسان، از ارتکاب معاصی دوری گزیند. همچنین باید دانست که این آثار سوء مانند مرگ زود هنگام یا نابهنگام، تمام زندگی مادی را تحت الشعاع قرار می‌دهد و گاهی مانند کم‌شدن رزق، انسان را در زندگی روزمره دچار سختی می‌کند و انسان را در انجام امور خود دچار مشکل می‌نماید. هر گناهی، اثر سوئی دارد و باید دانست که آثار سوء گناهان در برخی موارد، مربوط به این جهان و در برخی دیگر مربوط به جهان آخرت و سرای باقی است. پس هر انسانی پس از شناخت آثار گناهان، برای راحتی و صلاح دنیوی و اخروی خود، بر آن می‌شود تا خود را از آثار سوء گناه، مثل عدم استجاب دعا یا مرگ نابهنگام دور کند و این دور ماندن از آثار سوء، با ترک گناه امکان‌پذیر می‌گردد؛ زیرا هر علتی، معلولی دارد و آن‌گاه که معصیتی انجام شود (در صورت عدم توبه که مورد بحث مقاله نیست)، معلول آن‌که اثرات سوء آن است نیز ایجاد خواهد شد. بنابراین برای دوری از اثرات گناه، باید از ارتکاب گناهان اجتناب ورزید.

## کتابنامه

\* قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، قم: فاضل، چ اول.

\* نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ

چهاردهم، ج ۱.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۶ ش)، علل الشرائع، ترجمه: مسترحمی، تهران:

کتاب‌فروشی مصطفوی، چ ششم، ج ۱.

۲. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، (۱۴۰۷ق)، عدةالداعی و نجاح الساعی، قم: دار الکتب الإسلامی، ج ۱، ج ۱.
۳. دستغیب، عبدالحسین، (۱۳۹۰ ش)، گناهان کبیره، قم: دار الکتب (جزایری)، ج هجدهم، ج ۱.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴ ش)، مفردات الفاظ قرآن کریم، تهران: مرتضوی، ج دوم، ج ۲.
۵. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۷۴ ش)، تفسیر المیزان، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ج پنجم، ج ۲۰.
۶. قمی، عباس، (۱۳۸۷ ش)، مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشهای، قم: آیین دانش، ج یازدهم، ج ۱.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج چهارم، ج ۸.
۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج دوم، ج ۱۱.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۱، ج ۲۷.
۱۰. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۱، ج ۲۸.
۱۱. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، (۱۴۱۰ق)، مجموعة ورام، قم: مکتب فقیه، ج ۱، ج ۲.
۱۲. نراقی، محمدمهدی، (۱۳۷۹ ش)، جامع السعادات، قم: انتشارات اسماعیلیان، ج ۱، ج ۱.